



اهوال روز قیامت

(۲)

«وكانها قد أشرفت بزلازلها وأناخت بكلاكلها»

و گویا قیامت با زلزله هایش بر شما روی می آورد و
بار سنگین خود را بر زمین می نهد

نشانه های قیامت

هان! ای بندگان خدا، آنقدر علائم و نشانه های قیامت، روشن و هویدا است که گویی با زلزله ها و زمین لرزه هایش بر شما احاطه کرده و روی آورده و متوجهتان شده است. آری! همان ساعت که دنیا می خواهد به آخرت مبدل گردد، زمین به لرزه می آید و زیر و رو می شود، کوه ها از هم می پاشند و مانند پودر در فضا پراکنده می شوند. چه زلزله مهیب و شدیدی در انتظارتان است، پس خود را برای رهایی از عوارض دشوار آن زلزله آماده سازید:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ»

ای مردم! حریم خدا را نگهدارید که به تحقیق زلزله روز رستاخیز، چیزی عظیم و هول انگیز است.

در آن روز، زمین تغییر می کند و آسمانها درهم می پیچند و آنچه در جوف زمین، نهان شده است بیرون ریخته می شود:

«يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» وَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّبِينَ فِي الْأَصْفَادِ سَرَابِلُهُمْ مِنْ قَطْرَانٍ وَتَعَسَىٰ وَجُوهُهُمْ النَّارُ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ

وَكَانَهَا إِذْ أَشْرَفَتْ

بِرِزَالِهَا ، وَأَنَاخَتْ بِكَلَاكِلِهَا ، وَأَنْصَرَبَتِ اللَّعْنَةُ بِأُمَّلِهَا ،
وَأَخْرَجَتْهُمْ مِنْ دُجُنُهَا ، فَكَانَتْ كَبُومٍ مَقْضُ ، أَرْبَعِينَ أَنْفَضِي ،
وَمَنْ أَرَجِدُهُ مَارْتًا ، وَرَبِّهَا عَنَّا ، فِي مَوْقِفٍ مَسَلِ الْمَقَارِ ،
وَأَمُورٍ مُشْتَبِهَةٍ عِظَامِ ، وَنَارٍ شَدِيدٍ كَلْبِهَا ، غَالِ لَجِبِهَا ،
سَالِجِ لَجِبِهَا ، مُتَعَبِّطٍ رَفِيفِهَا ، مُتَأَخِّجِ سَبِيفِهَا ، بِيَدِ
خُودِهَا ، ذَالِ زَفُودِهَا ، مَحُونٍ رَعِيدِهَا ، تَعَمَّرِهَا ،
مُظِلَّةٍ أَنْفَارِهَا ، خَالِيسَةٍ قُدُودِهَا ، قَطِيعَةٍ أُمُورِهَابحث پیرامون خطبه ۲۳۲ نهج البلاغه فیض الاسلام ۱۹۰۰ عبه
بود، در قسمت گذشته به اینجا رسیدیم که حضرت هشدار می دهند
ببندگان خدا را که پیش از فرارسیدن مرگ، مایه طی صراط را در آخرت
تهیه کنند و به آنها اطمینان می دهد که خواه ناخواه، ساعت قیامت
خواهد رسید و مردم با قیامت به ریسمانی بسته اند. آنگاه می فرماید:
گویا هم اکنون پرچمها و نشانه های قیامت آشکار گردیده و
شما را برای حساب و کتاب نگهداشته اند. سپس می فرماید:



ماشین و پست و مقام تهیه کند، در آخرین روز زندگی نه تنها هیچ فایده‌ای برایش ندارد که همه را باید رها کند و برود، و از آن گذشته، آنچه را که با مال حلال بدست آورده، باید حساب پس بدهد و آنچه را که با مال حرام بدست آورده باید مجازات شود.

همانگونه که قبلاً تذکر دادیم، حضرت، تمام این افعال را «ماضی» آورده است که مفید تحقق می‌باشد یعنی می‌خواهد بفرماید: این مسائل محقق‌الوقوع است و هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد.

«فکانت کیوم ماضی، أو شهر انقضی»

پس دنیا مانند روزی بود که گذشت یا ماهی بود که سپری شد

دنیا زود گذر است

بقدری دنیا بی ارزش و زود گذر است که هنگام فرا رسیدن مرگ، انسان خیال می‌کند، همه آن خوشگذرانیها و لذتهای دنیوی، در یک شبانه روز بسر رسید یا خیلی که برای آن وقت و زمانی قائل شویم، مانند یک ماه بیشتر نیست، یعنی گویا آن همه لذتها و نعمتهای دنیا در طول یک ماه تمام شد و ازین رفت.

«وصار جدیدها رتاً وسمینها غتاً»

تازه دنیا کهنه شد و فریه آن لاغر شد

رت: بمعنای کهنه است و غت: بمعنای لاغر.

هرچه در دنیا تازه است بزودی کهنه می‌شود و هر چاق و فریبی لاغر می‌گردد. انسان که به جوانی و شادابی و تنومندی خود می‌نازد، با گذشت چندسال، ناگهان درمی‌یابد که کمر خم شده، چشم کم سو گشته، گوش شنوایی زیادی ندارد، حافظه از دست رفته و خلاصه تمام اعضا و جوارح از کار افتاده است و بجای آن همه زور و توان و نیرو، ضعف و ناتوانی و لاغری آمده است.

«فی موقفِ صَنکِ المقامِ وأمرٍ مشبهةٍ عظام»

در جایگاهی بس تنگ و برخورد با رویدادهایی بس بزرگ و ناهموار

سُرْعُ الْحِسَابِ»^۲

روزی که زمین به زمینی دیگر مبدل شود و همچنین آسمانها؛ و تمام مردم در پیشگاه خدای واحد قهار حضور یابند، آن روز است که مجرمین و گناهکاران را بسته در غل و زنجیر خواهی دید و پیراهنشان را بینی که از قطران برایشان تهیه شده و چهره هایشان را اخگرهای آتش پوشانده است، تا اینکه خداوند در آن روز سزای هرکس را در هر چه کرده است بدهد و همانا حسابرسی خداوند، سریع و شتابان است.

اناخت بکلا کلها: حضرت، روز قیامت را به شتری تنومند تشبیه کرده است که چگونگی با سینه اش خود را بر موجودی ضعیف می‌افکند و او را در زیر سینه سختش له می‌کند. اناخه به معنای خوابیدن و کلاکل جمع کلکل بمعنای سینه است. گویا این شتر سینه‌های زیادی دارد و یکباره با سینه‌های سترگش، خود را بر انسانها می‌افکند و آنان را له می‌کند. و این کنایه، هشدار می‌دهد است به ما مردم که خیلی مواظب باشیم و خود را برای آن روز هول‌انگیز آماده سازیم.

«وانصرت الدنيا بأهلها وأخرجتهم من حصنها»

و گویی دنیا، اهل خود را فانی می‌سازد و آنان را از آغوش گرم خویش بیرون می‌افکند.

پشت کردن دنیا

دنیا سر نشینانش را یکی پس از دیگری از خود دور می‌سازد و از آنان دست می‌کشد و از آغوش و دامان خویش، به بیرون پرت می‌کند. این دنیای پر زرق و برق که اینقدر مردم را در آغوش گرم و نرم خویش پرورانده بود و به آنان لبخند می‌زد، امروز که روز پست‌اخیز است، چنان به آنها پشت کرده و اخمهایش را درهم کشیده که آنان را از خود می‌راند و از آغوش گرم خویش بیرون می‌اندازد.

«ب» در کلمه «بأهلها» ممکن است «ب» معیت باشد یعنی دنیا خودش با اهلش می‌گذرند و فانی می‌شوند و ممکن است «ب» تعدیه باشد یعنی دنیا اهلش را می‌برد و فانی می‌سازد مثل: «ذهبت بزید» که ممکن است معنایش این باشد که همراه با زید رفتم یا اینکه زید را بردم.

پس هرچه انسان در این دنیا، برای خودش باغ و کاخ و



عالم وحشتناک

ما همه در جایگاهی وارد می شویم که بسیار تنگ است، چه قبر باشد و چه قیامت که برای گنهکاران و مجرمان، تنگ است و دشوار و توقفگاهی پر از امور ناهموار و حوادث عظیم و بزرگ که انسان با آنها روبرو می شود و هیچ راه فراری هم ندارد.

خلاصه آن جهان، برای آنان که آمادگی ندارند و خود را برای رهایی از جهنم نساخته اند، عالمی است وحشتناک، و همگان باید از روی جهنم عبور کنند؛ این سخن قرآن است و شک و تردیدی در آن راه ندارد «إِنَّ مِنْكُمْ الْإِوَادُهَا كَأَنَّ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا» تا از پل عبور نکنی و بر جهنم نگذری به بهشت نخواهی رسید، تازه اگر اهل بهشت باشی و گرنه همانجا از روی پل تو را سرازیر جهنم می کنند، و آنان که آلودگی هایی دارند، باید قبلاً با آتش، آلودگی هایشان پاک و زودوده شود تا آنگاه لیاقت رفتن به بهشت پیدا کنند وای بسا برخی از اشخاص ده ها هزار سال در جهنم بسوزند تا گناهانشان پاک شود. راستی اگر ما اندکی تأمل می کردیم و به این احوال روز قیامت می اندیشیدیم و آنگاه بدن ناتوان خود را در برابر آتش کم حرارت دنیا که هرگز قابل قیاس با دوزخ نیست، قرار می دادیم، شاید فکر گناه کردن هم به ذهن خود راه نمی دادیم ولی چه باید کرد که با این همه آیات و روایات و خطبه های علی علیه السلام که ما را از عذاب جهنم برحذر می دارند و هشدار می دهند، هنوز به خوابیم و بیدار نشده ایم و عبرت نگرفته ایم.

پس ای بنندگان خدا! بیائید باهم چاره ای برای آن روز سخت و وحشتناک بیاندیشیم که مرگ هرگز خبر نمی کند و فردا برای اندیشیدن دیر است.

«وَبَارِ شَدِيدٍ كَلْبُهَا، عَالِ لَجْبُهَا»

و آتشی که بورش شدید و نعره اش بلند است

اوصاف آتش جهنم

همه بر فراز آتشی برآشفته و پر خروش وارد می شوید. آتشی که مانند سگ ها ر یورش می برد و حمله می کند؛ آتشی که فریادش بلند است و صدای نعره هایش از دور شنیده می شود.

کَلْبٌ: معنایش حمله و یورش برای بلعیدن و پاره کردن است. اگر آتش سوزی بزرگی را ببینید، ملاحظه می کنید گاهی بوسیله وزش باد، یکدفعه شعله آتش بیش از بیست متر فراتر می رود و به طرف شما می آید؛ این حمله ناگهانی و شدید آتش را، حضرت امیر علیه السلام، به واژه کَلْبٌ تشبیه کرده است که کنایه از درندگی و حمله است و بهمین لحاظ، سگ را «کلب» می نامند.

لَجْبٌ: به معنای صدای بلند و نعره است. آتش هر چه شدیدتر باشد، صدایش بلندتر است و این صدای بلند در اثر سوختن اشیاء تولید می گردد.

«سَاطِعٍ لَهَبِهَا، مُتَعَبِّطٍ زَفِيرُهَا»

شعله اش بلند و صدایش خشمناک

سَطْوَعٌ: بمعنای ارتفاع است و لهب: بمعنای شعله است یعنی شعله های آتش دوزخ خیلی بلند است

مُتَعَبِّطٌ: غیظ بمعنای خشم و غضب است و متعبط: یعنی خشمناک و غضب آلود

زَفِيرٌ: بمعنای صدای شعله های آتش است

صدای مهیب آتش چنان خشمناک است که گویا در اولین فرصت می خواهد رباخواران و مفسدان و آنها که اموال یتیم را حرام خورده اند و فتنه انگیزان را ببلعد و در کام خود فروبرد. شدت آتش که شعله هایش بسیار اوج گرفته و ارتفاع دارد از یک طرف و صدای وحشتناک و خشم آلودش از طرف دیگر، تجسسی است از آتش هولناک جهنم که مفسدان و ظالمان و فتنه افروزان و مسرفان و فاسقان و کافران را دربر خواهد گرفت.

«مُتَأَلِّجٍ سَعِيرُهَا، بَعِيدٍ خُمُودُهَا»

اشگوش فروزان و سوزان است و هرگز به خاموشی نمی گراید

شعله آتش چنان نیست که بالا برود و صدائی هولناک داشته باشد و تمام شود بلکه پیوسته در حال اشتعال و برافروختن است و به این زودیه ها خاموش نمی شود؛ پس انسانی که آلوده است، باید تا وقتی که پاک شود و قابلیت رفتن به بهشت پیدا کند، در آتش جهنم بسوزد. طلای ناب تا آن هنگام که آلودگیها و کثافتهاش برطرف نشده است، ارزش ندارد، لذا آن را در





آورد و مجدداً قلب گرمی نسود و هم چنان بارها این کار را تکرار کند تا آتش برافروخته سوزان قرار می دهند تا اینکه پس از مدتی، آلودگیهایش برطرف گردد و پاک و تمیز شود؛ و چنین است انسان. وقتی آتش جهنم آلودگیهایش را برطرف کرد، آنگاه جهنم برای او خاموش می شود و به بهشت روانه می گردد، تازه این در صورتی است که مؤمن باشد و گنهکار و گرنه حساب کفار، دشوار است.

«ذالك وَقُودًا، مخوف وعبدها»

هیزمش پرسوز و گداز و تهدیدش ترسناک

در اینجا وَقُود یا به معنای هیمة و هیزمی است که با آن آتش درست می شود و یا اینکه وَقُود مصدر است بمعنی اشتعال، پس چه مقصود اشتعال باشد و چه ادوات و ابزار اشتعال، حضرت می خواهد بفرماید که این آتش مایه دار است و بی وقفه در حال مشتعل شدن می باشد.

وعید: به معنای تهدید است و «مخوف وعیدها» یعنی ترساندن آن حقیقی است و واقعاً وحشت انگیز و ترسناک است؛ نه اینکه صرف مبالغه و گراف باشد.

«غَمِّ قَرَاظِهَا، مُظْلَمَةٌ أَفْطَارُهَا»

ته آن پوشیده و اطرافش تاریک و ظلمانی

غَم: بمعنای پوشش است. غَمَّة: آن را پوشید. و غم و غصه هم به این اعتبار اطلاق می شود که خوشبها و لذتهای انسان را می پوشاند. قَرَاظ: ته شیء است، یعنی ته جهنم پوشیده و پنهان و تاریک است.

قَطْر: بمعنای خطی است که آن طرف دایره را به این طرفش وصل می کند و افطار: جمع قطر بمعنای اطراف است یعنی خلاصه این آتش تنگ و تاریک است و هیچ روزنه ای هم به بهشت ندارد.

«حامیه قدورها، فطیبة أمورها»

دیگهایش سوزان و امورش ناملایم و نامناسب است

دیگهای این آتش خیلی گرم و سوزان است و نمی شود آن را با آتش دنیا مقایسه کرد. در روایتی هست که اگر ذره ای از این آتش سوزان و داغ جهنم را بردنیا بریزند، تمام دنیا آتش می گیرد و فانی می شود. ولی در آنجا هر چند پوست انسان بسوزد، فوراً پوست دیگری بجای پوست قبلی بریدن می روید تا همواره عذاب دردناک را بچشد. در قرآن می خوانیم: «كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ»^۱

در آخرین وصف از اوصاف هولناک جهنم، حضرت می فرماید: امور ناملایم و نامسازگاری در جهنم است که هرگز با طبع انسان نمی سازد، فشارها، تنگی ها، تاریکی ها، وحشت ها، ترس ها و ناملایمات بسیاری که در دوزخ یقه انسان را می گیرد، خیلی دشوار و سخت است.

و در هر صورت اگر ما بخواهیم از این آتش دردناک رهایی یابیم، باید در همین دنیا، وسایل نجات خود را فراهم سازیم. باید آن خطی را که خداوند برای ما مقرر فرموده و دستور داده است که از آن تبعیت نکنیم، آن را پیدا نکنیم و دنباله رو آن خط باشیم که مجسمه آن خط الهی، علی و اولاد علی علیهم السلام است. لذا می فرماید: صراط در دنیا امام مفترض الطاعة و واجب الاطاعة است که اگر کسی از آن صراط به خوبی گذشت، به آسانی و راحتی از صراط قیامت نیز می گذرد و روانه بهشت می شود.

ادامه دارد

۱-سوره حج آیه ۱. ۲-سوره ابراهیم آیه ۴۸-۵۱. ۳-سوره نساء آیه ۵۶.

فرصت زود گذر است

• امیرالمؤمنین (ع):

«الْفُرْصَةُ سَرِيعَةُ الْفَوْتِ وَبَطِيئَةُ الْعَوْدِ».

(غررالحکم - ص ۸۹)

فرصت خیلی زود می گذرد و دیر بر می گردد.